

تأثیر آموزش مهارت‌های حل مسئله بر تعامل والد-کودک و بهبود رفتارهای چالش برانگیز کودکان

دکتر محسن شکوهی یکتا^۱

اکرم پرند^۲

آمنه شهبان^۳

عباس متولی پور^۴

چکیده

والدین، اولین افرادی هستند که در سنین حساس رشد کودک، بیشترین تعامل را با او دارند و نقش مهمی را در رشد روانی و یادگیری‌های کودک در سال‌های اولیه زندگی او ایفا می‌کنند. در دهه‌های اخیر، بسیاری از پژوهشگران بین شیوه ارتباطی والدین و کودکان و سطح رشد شناختی-اجتماعی فرزندان در سال‌های اولیه زندگی، رابطه معناداری را گزارش کرده‌اند. همچنین مشخص شده است که برنامه‌های مداخله‌ای در بهبود شیوه تعامل والد-کودک مؤثر است. بر این اساس، بسیاری از متخصصان برنامه‌های مداخله‌ای با هدف افزایش مهارت‌های حل مسئله را برای والدین توصیه کرده‌اند. آموزش روش حل مسئله به والدین علاوه بر ایجاد تغییر در سبک‌های تربیتی آنان، در شکل‌گیری رفتارهای مناسب در کودکان، بهبود تعامل والد-کودک و نهایتاً بهبود کارکرد خانواده مؤثر است. هدف از مطالعه حاضر، ارزیابی اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله به والدین و تأثیر آن بر تعامل با کودکان بوده است. در این پژوهش والدین ۲۱۳ کودک چهار تا هشت ساله به صورت داوطلبانه در ده کارگاه آموزشی شرکت کردند. در این کارگاه‌ها والدین ضمن آگاهی از روش‌های مختلف کارآمد و ناکارآمد برخورد با رفتارهای کودک، تمرین‌هایی را برای بهبود سبک واکنش خود در مقابل رفتارهای چالش برانگیز کودکان انجام دادند. هدف کارگاه، بهبود سبک تربیتی والدین و استفاده از روش‌های تعاملی کارآمد مانند روش حل مسئله به جای روش‌های ناکارآمد مانند تنبیه و توبیخ بوده است. کارگاه‌ها به مدت نه جلسه دو ساعته در نه هفته برگزار می‌شد. ابزارهای استفاده شده شامل دو پرسش‌نامه محقق ساخته برای ارزیابی سبک‌های تربیتی والدین و سنجش مشکلات رفتاری کودکان بوده است. والدین در یک بررسی اولیه قبل از شروع کارگاه و همچنین در پایان دوره آموزشی به تکمیل پرسش‌نامه‌ها پرداختند. نتایج نشان داد که آموزش روش حل مسئله به والدین در بهبود سبک تربیتی والدین مؤثر بوده، همچنین موجب بهبود رفتارهای چالش برانگیز کودکان در منزل شده است.

کلیدواژه‌ها: روش حل مسئله، ارتباط والد-کودک، روش‌های تربیتی، سبک‌های تربیتی والدین، آموزش والدین، مشکلات رفتاری کودکان.

۱- استادیار دانشگاه تهران

۲- دانشجوی دکتری روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی دانشگاه تهران

۳- کارشناس ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی

۴- کارشناس ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی

مقدمه

سبک‌های تعامل والد-کودک

الگوهای ارتباطی‌ای که کودکان و نوجوانان در خانواده یاد می‌گیرند، بدون تردید در ارتباطات آینده آن‌ها در گستره زندگی تأثیر بسیاری دارد. روابط درون خانواده علاوه بر اهمیتی که در رشد کودکان دارد، در جلوگیری از مشکلات رفتاری آنان نیز نقش به‌سزایی دارد (تاسیک، بوجانواک و مجوسک^۱، ۱۹۹۷). تعامل والد-کودک از جنبه‌های گوناگون بررسی شده است؛ یکی از این جنبه‌ها فضای خانواده^۲ است. فضای خانواده می‌تواند مهرورزانه، پذیرنده، مسئولانه و درک‌کننده یا طردکننده باشد. فضای خانواده بهترین پیش‌بینی‌کننده رفتارهای غیرانطباقی و بزهکارانه افراد در سنین نوجوانی است (مک کورد، ۱۹۷۹؛ به نقل از تاسیک، بوجانواک و مجوسک، ۱۹۹۷). نحوه ارتباط والدین با کودک و روش والدین در حل تعارض‌ها یکی دیگر از جنبه‌های تعاملی است (ریش، جکسون و چانچونگ^۳، ۲۰۰۳). ارتباط والد-کودک می‌تواند تشویق‌کننده یا تنبیه‌کننده باشد. والدین می‌توانند با اعتماد و ایجاد حس پذیرش نسبت به کودک به بالا رفتن اعتماد به نفس و احساس کفایت در او کمک کنند، یا به عکس با تنبیه و توبیخ، زمینه را برای رشد احساس ناکارآمدی و بی‌کفایتی در او به‌وجود آورند. از دیگر جنبه‌های تعامل والد-کودک، ارتباط کلامی^۴ است. چگونگی استفاده از کلمات و زبان بدنی در برقراری روابط، الگوی ارتباط والدین با فرزندان را نشان می‌دهد. بسیاری از مشکلات رفتاری نوجوانان با رفتار کلامی خشن و طردکننده والدین ارتباط مثبت داشته است (تاسیک، بوجانواک و مجوسکی، ۱۹۹۷). در یک مطالعه طولی، پژوهشگران گزارش کرده‌اند که شیوه نصیحت‌کردن والدین^۵، پیش‌بینی‌کننده خوبی برای نحوه رقابت اجتماعی کودکان و تعامل آنها با همسالان است. هم‌چنین در یک بررسی بعداز یک سال مشاهده شد که شیوه نصیحت‌کردن والدین با عملکرد روانی-اجتماعی

1- Tasic, Budjanovac & Mejovsek

2- family atmosphere

3- riesch, Jackson & Chanchong

4- verbal communication

5- Parental advise giving style

کودکان در سال‌های بعد، هم‌چنین گزارش‌های کودکان از احساس تنهایی و افسردگی ارتباط دارد (مک داوول^۱، ۲۰۰۳).

کلمن^۲ (۲۰۰۲) نشان داده است مادران کودکانی که احساس امنیت و خودکفایتی کمتری دارند، در ارتباط با فرزندان خود از دستور دادن و توصیه راه‌حل به صورت مستقیم نسبت به روش‌های راهنمایی غیرمستقیم بیشتر استفاده کرده‌اند. این کودکان به راحتی ناامید می‌شوند و از تلاش دست برمی‌دارند و قبل از تلاش برای یافتن راه‌حل مشکل به دنبال کمک می‌گردند. در صورتی که اگر برای حل مشکلات، تعامل کودک با والدین به صورت دوطرفه و فعالانه باشد، به افزایش سطح رشد شناختی کودک و بالا رفتن کفایت اجتماعی او کمک می‌کند (لسمن و سیجلینگ^۳، ۱۹۹۶). مداخله زیاد و مستقیم والدین، به کاهش شرکت فعال کودک در فعالیت‌های مختلف اجتماعی و نیز کاهش ارتباط با همسالان منجر شده و ضعف در عملکرد شناختی و رشد زبان کودک را در پی دارد. از ویژگی‌های تعامل کارآمد والد-کودک می‌توان به احساس مسئولیت بیشتر و مداخله غیرمستقیم اشاره کرد (ماهونی، بویس، فول، اسپیکر و ویدن^۴، ۱۹۹۸). الگودهی^۵، شکل‌دهی رفتار و زنجیره‌سازی^۶ نمونه‌هایی از مداخله‌های غیرمستقیم و کارآمد والدین محسوب می‌شوند. الگودهی که از آن به عنوان یادگیری از راه مشاهده نیز یاد شده روشی است که در آن والدین، خود، رفتاری را انجام می‌دهند و کودکان از آن‌ها الگوبرداری می‌کنند. بر اساس این روش، کودکان از روش‌های مواجهه والدین با مسائل و نحوه ارتباط آن‌ها با سایر افراد الگوبرداری می‌کنند؛ بنابراین یکی از راه‌های مهم ایجاد رفتار در کودک، انجام آن رفتار توسط والدین است (کونینگهام، دیویس، برمنر، دان و رزاسا^۸، ۱۹۹۳). در شکل‌دهی، ابتدا رفتاری که مایل هستیم در کودک ایجاد شود به صورت عینی تعریف می‌شود، سپس یکی از اجزای ساده رفتار فعلی

1- McDowell

2- Colman

3- Leseman & Sijlsing

4- Mahoney, Boyce, Fewell, Spiker & Wheeden

5- modeling

6- shaping

7- chaining

8- cunningham, Davis, Bremner, Dunn & Rzas

کودک که به رفتار هدف^۱ شبیه است انتخاب و تقویت شده و به تدریج بر پیچیدگی آن افزوده می‌شود تا به رفتار مورد نظر برسد. در زنجیره‌سازی تعدادی رفتار ساده انتخاب شده، با کنار هم قرار دادن آن‌ها به رفتار پیچیده مورد نظر می‌رسیم. ایجاد مهارت‌های لازم در کودک، آماده کردن او برای مواجه شدن با مسائل و حل تعارض‌ها بدون کمک دیگران، از دیگر روش‌هایی است که نشان‌دهنده دخالت غیرمستقیم و مؤثر والدین در رفتار کودک است.

مهارت‌های حل مسئله

کودکان در برخورد با موقعیت‌های مختلف برای اتخاذ تصمیم و نشان دادن رفتارهای مناسب، لازم است مهارت‌هایی داشته باشند. مهارت‌های حل مسئله، مهارت‌های بسیار مهمی هستند که افراد در طول زندگی می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند. هر فرد در موقعیت‌های متعدد با مسائلی مواجه می‌شود که راه‌حل همه آنها را نمی‌داند، اما راهبردهای حل مسئله می‌تواند به او کمک کند تا در مشکلات پیش‌بینی نشده به صورت کارآمدتر عمل کند. روش حل مسئله شامل مهارت‌های سطح بالای تفکر^۲ مانند تجسم ذهنی^۳، انتزاع^۴، درک و فهم^۵، دستکاری^۶، استدلال^۷ و تجزیه و تحلیل^۸ است که باید به خوبی مدیریت شوند. در روش حل مسئله، گام اول تشخیص مسئله است؛ سپس مسئله با کمک اطلاعات موجود تعریف می‌شود و طی فرایندی با کمک روش‌هایی مانند بارش مغزی^۹، استفاده از روش‌های جایگزین^{۱۰} و توجه به دیدگاه‌های مختلف، فرد به بهترین راه‌حل دست پیدا می‌کند (کرکلی^{۱۱}، ۲۰۰۳).

- 1- target behavior
- 2- higher order thinking skills
- 3- visualization
- 4- abstraction
- 5- comprehension
- 6- manipulation
- 7- reasoning
- 8- analysis
- 9- brain storming
- 10- alternative methods
- 11- Kirkley

مداخله‌های شناختی-رفتاری مجموعه‌ای از روش‌های موجود در کاهش رفتارهای نامناسب کودکان در خانه و در اجتماع به شمار می‌روند. آموزش روش حل مسئله بخش مهمی از مداخله شناختی-رفتاری است، به‌ویژه برای کودکانی که مشکلات رفتاری، مشکلات سلوک و نافرمانی، پرخاشگری و رفتارهای ضداجتماعی دارند (رابینسون^۱، ۱۹۹۹؛ آه، مین، پارک و کو^۲، ۱۹۹۸). استفاده از شیوه‌های مؤثر حل مسئله به کودکان کمک

می‌کند که در ارتباطات اجتماعی موفق‌تر عمل کنند. همچنین این راهبرد موجب بهبود اعتماد به نفس و رفتارهای انطباقی کودکان می‌شود. مطالعات نشان داده‌اند که مشکلات رفتاری کودکان مانند لجبازی، مشکلات سلوک و رفتارهای ضداجتماعی با آموزش مهارت‌های حل مسئله و تغییر شناخت، بهبود یافته و افزایش مهارت‌های کنترل خشم و برقراری ارتباط مناسب با همسالان و افزایش پذیرش اجتماعی و بالا رفتن نگرش مثبت نسبت به خود را موجب شده است (گرین^۳ و همکاران، ۲۰۰۴؛ جانسون^۴، ۲۰۰۱؛ رید، وبستر- استراتون^۵، ۲۰۰۱؛ مک کاریک- دیکس^۶، ۲۰۰۰).

بسیاری از نوجوانانی که رفتارهای پرخاشگرانه یا بزهکارانه دارند اگر در زمینه مهارت‌های حل مسئله آموزش ببینند، رفتار آن‌ها بهبود می‌یابد. فقدان واژگان کارآمد و نداشتن مهارت در استفاده از راه‌حل‌های جایگزین از عوامل مهم پرخاشگری کودکان است (مک موران و مک گیور^۷، ۲۰۰۵). علاوه بر این، مطالعات دیگر نشان داده‌اند آموزش روش حل مسئله به طور مستقیم یا از طریق والدین و معلمان در کاهش رفتارهای نامناسب کودکان و بهبود رفتارهای اجتماعی آن‌ها مؤثر است (لاگسدون^۸، ۲۰۰۴؛ بیلمن، ۲۰۰۴؛ هاگز، هرماندز و نسمن^۹، ۲۰۰۳؛ اسکات^{۱۰}، ۲۰۰۵).

- 1- Robinson
- 2- Oh, Min, Park & Ko
- 3- Greene
- 4- Johnson
- 5- Reid & Webster- Stratton
- 6- Mccarrick-Dix
- 7- McMurran & McGuire
- 8- Logsdon
- 9- Hodges, Hernandez & Nesman
- 10- Scott

پژوهش‌های انجام‌شده نشان داده‌اند که آموزش مهارت حل مسئله به والدین موجب شده رفتارهای ضداجتماعی و افسردگی کودکان کاهش یافته و از سلامت روانی برخوردار شوند (کازدین، زیگل و باس^۱، ۱۹۹۲). این یافته‌ها نشان داده‌اند خانواده‌هایی که نوجوانان بزهکار یا معتاد دارند، برای استفاده از شیوه حل مسئله توانایی کمتری داشته و بیشتر از تهدید، تنبیه و توبیخ و کنترل شدید و اعمال قدرت استفاده می‌کنند (تاسیک، بوجانواک و مجوسک، ۱۹۹۷)، هم‌چنین هنگامی که والدین کودکان با مشکلات شدید عاطفی در زمینه مهارت‌های حل مسئله و انطباقی آموزش دیده‌اند، وضعیت رفتاری و روانی کودکان تغییرات مثبتی پیدا کرده است (روفولو، کوهن و ایوانز^۲، ۲۰۰۵).

کارگاه تربیت کودک اندیشمند

کارگاه تربیت کودک اندیشمند برای والدین کودکان چهار تا هشت ساله طراحی شده است. هدف این کارگاه افزایش مهارت‌های کودک در برخورد مؤثر با مسائل مختلف در خانه و محیط بیرون خانه از طریق بهبود تعامل‌های والد-کودک است. توجه اصلی کارگاه بر آموزش والدین در استفاده از شیوه‌های کارآمد تعاملی با کودک در حل مسائلی است که در ارتباط با والدین و همسالان برای کودک پیش می‌آید. این کارگاه‌ها در نُه جلسه به صورت جلسات دو ساعته در نُه هفته برگزار شده‌اند. در جلسه اول دفترچه راهنمایی که تمرین‌های خانه در آن وجود دارد به والدین داده می‌شود. در هر جلسه علاوه بر توضیح نکات جدید، تمرین‌های جلسه قبل بحث و بررسی شده، به سؤالات و مشکلات والدین پاسخ داده می‌شود. در این کارگاه‌ها سعی شده است که تمرین‌هایی برای کودکان طراحی شود که جنبه بازی و تفریح داشته و برای کودکان لذت‌بخش باشد، بنابراین فعالیت‌ها به صورت بازی یا نقاشی به کودک ارائه می‌شوند. هم‌چنین تکالیف با استفاده از موقعیت‌های آشنا که کودک و والدین معمولاً با آن‌ها در تماس هستند و در مکان‌های مختلف خانه، طراحی شده‌اند (شور و دیجرونیمو^۳،

1- Kazdin, Siegel & Bass

2- Ruffolo, Kuhn & Evans

3- Shure & Digeronimo

۲۰۰۱). در شروع کارگاه، والدین با سبک‌های مختلف تعاملی خود در ارتباط با کودکان آشنا می‌شوند. این سبک‌ها به صورت چهار سطح طبقه‌بندی شده‌اند که برای والدین با نام چهار پله رفتاری تعریف می‌شوند. در پله اول یکی از سبک‌های ناکارآمد تعاملی یعنی تنبیه و تحقیر آمده است. پله دوم سبک توصیه بدون توضیح است. در این دو پله کودک تقریباً فقط نقش اجراکننده دستورها یا پیشنهادهای را دارد. در پله سوم والدین پیشنهاد خود را همراه با توضیحاتی ارائه می‌دهند. این توضیحات می‌تواند درباره پیامد کار یا توجه به احساس فرد مقابل باشد، مثلاً «من ناراحت می‌شوم اگر لباست را کثیف بکنی» یا «اگر این لباس را کثیف بکنی در مهمانی امشب لباس مرتب و زیبایی نداری». پله نهایی شامل کارآمدترین روش تعاملی دوسویه است که با طرح سؤال، کودک را به تفکر وامی‌دارد. در حین تمرین‌های این مرحله، کودکان با کلماتی آشنا می‌شوند که "کلمات حل مسئله" نام‌گذاری شده‌اند و بر سه پایه اساسی درک احساسات، یافتن راه-حل جایگزین و توجه به پیامدها استوار هستند. وجود این کلمات بر این اساس است که داشتن زبان مشترک، یک قدم بسیار مهم در حل یک تعارض یا مشکل است (شور و دیجرونیمو، ۲۰۰۱). به عنوان مثال از کلمات حل مسئله می‌توان هست/ نیست، حالا/ بعداً و مشابه/ متفاوت را نام برد که در راستای آن کودک یاد می‌گیرد چه زمانی برای چه کاری مناسب هست/ نیست، و این که زمان مناسب برای هر چیز متفاوت است. بعد از این که این کلمات در موقعیت‌هایی، غیرموقعیت‌های مشکل‌زا با کودکان تمرین شدند، والدین در تعامل با کودک به پله چهارم می‌رسند. در این مرحله است که کودک به هدف نهایی کارگاه که حل مسئله است، نزدیک می‌شود. در برنامه‌هایی که فقط برای مادران طراحی می‌شوند، احتمال وجود ناهماهنگی میان سبک تعاملی پدر و مادر افزایش می‌یابد (وینسلر، مادیگان و آکویلینو^۱، ۲۰۰۵)، بنابراین در کارگاه حاضر سعی بر این بوده که حتی‌الامکان از حضور هر دو والد استفاده شود. در جدول ۱ عناوین جلسات آمده است.

1- Winsler, Madigan & Aquilino

جدول ۱: معرفی عناوین جلسات کارگاه

موقعیت	سر فصل ها
والدین با کودک	جلسه اول: مقدمه و آغاز گزارش نویسی والدین جلسه دوم: در آشپزخانه جلسه سوم: در اتاق خواب جلسه چهارم: در حمام (دستشویی) جلسه پنجم: در اتاق نشیمن؛ تمرین های بیشتر
کودک با کودک	جلسه ششم: راهی به سوی شایستگی جلسه هفتم: بیابید قصه بسازیم جلسه هشتم: قبل/ بعد چه اتفاقی می افتد؟ جلسه نهم: ارزیابی

روش شناسی پژوهش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرا

مطالعه حاضر از نوع شبه تجربی با طرح پیش آزمون- پس آزمون بدون گروه گواه است. نمونه گیری به صورت در دسترس، و گروه نمونه شامل ۲۱۳ نفر از والدین دانش آموزان چهار تا هشت ساله برخی از مدارس غیرانتفاعی شهر تهران بوده است. از این تعداد ۷۴ نفر (۳۴/۷ درصد) شاغل و ۱۱۷ نفر (۵۴/۹ درصد) غیر شاغل بودند و ۲۲ نفر (۱۰/۳ درصد) به این سؤال پاسخ نداده اند. والدین در پی فراخوانی با همکاری مسئولان مدرسه در زمینه شرکت در کارگاه آموزشی با عنوان "تربیت کودک اندیشمند"، اعلام آمادگی نمودند. این افراد در یک جلسه توجیهی که مسئولان کارگاه-ها برگزار کردند و در آن اهداف، نحوه برگزاری و خلاصه ای از عناوین کارگاهها معرفی شد، شرکت کردند و در نهایت از والدینی که برای شرکت در کارگاه تمایل داشتند ثبت نام به عمل آمد. مادران در هفت کارگاه و پدران در سه کارگاه شرکت کردند. کارگاهها هفته ای یک بار در نُه جلسه دو ساعته برگزار شدند. در طی هر کارگاه مجریان مجرب و آموزش دیده به آموزش والدین و حل مشکلات احتمالی آنها در انجام تمرینها و در ارتباط با کودکان می پرداختند.

بررسی میزان تحصیلات والدین نشان داد که تعداد ۷ نفر (۳/۳ درصد) تحصیلاتی معادل زیر دیپلم، ۷۸ نفر (۳۶/۶ درصد) دیپلم، ۷۴ نفر (۳۴/۷ درصد) لیسانس، ۲۸

نفر (۱۳/۱ درصد) بالاتر از لیسانس داشتند و ۲۶ نفر (۱۲/۲ درصد) هم به تحصیلات خود اشاره‌ای نکرده بودند. گفتنی است قبل از شروع و بعد از اتمام هر کارگاه، والدین پرسش‌نامه‌های مربوطه را تکمیل کرده‌اند.

روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها

با توجه به این که هدف پژوهش حاضر بررسی میزان تغییر نمرات آزمودنی‌های یک گروه در پیش‌آزمون و پس‌آزمون بود، از روش آماری t وابسته استفاده شد.

ابزارهای اندازه‌گیری

پرسش‌نامه روش‌های تربیتی والدین: این پرسش‌نامه به وسیله شکوهی یکتا و پرند (۱۳۸۶) تهیه و تدوین شده است. پرسش‌نامه، شامل پانزده موقعیت است که در هر موقعیت، نحوه برخورد والدین با رفتارهای چالش‌برانگیز کودکان بررسی می‌شود. پاسخ‌دهی براساس مقیاس لیکرت چهار گزینه‌ای است که هر گزینه یکی از روش‌های چهارگانه تعامل والدین با کودک (تنبیه و توبیخ، توصیه بدون توضیح، پیشنهاد همراه با توضیح و روش تعاملی حل مسئله) را در موقعیت مورد نظر مطرح می‌کند. قابلیت اعتماد پرسش‌نامه با روش آلفای کرونباخ $0/79$ گزارش شده است (شکوهی یکتا و پرند، ۱۳۸۶).

پرسش‌نامه مشکلات رفتاری کودکان: این پرسش‌نامه را شکوهی یکتا و پرند (۱۳۸۶) برای سنجش رفتارهای چالش‌برانگیز کودکان در خانه طراحی کرده‌اند. پرسش‌نامه دارای هجده گویه است که هر گویه یکی از مسائل چالش‌برانگیز کودکان در خانه و در ارتباط با والدین و همسالان را مطرح می‌کند. پاسخ‌دهی براساس مقیاس لیکرت پنج گزینه‌ای از همیشه تا هرگز صورت می‌گیرد. نمره بالا در این پرسش‌نامه نشان‌دهنده رفتارهای مناسب و نمره پایین نشان‌دهنده رفتارهای مشکل‌آفرین در کودکان است. قابلیت اعتماد این ابزار با روش آلفای کرونباخ $0/90$ گزارش شده است (شکوهی یکتا و پرند، ۱۳۸۶).

یافته‌ها

مقایسه نمرات والدین در پیش‌آزمون و پس‌آزمون نشان داده است که سبک تعاملی والدین، پس از آموزش بهبود یافته و استفاده والدین از روش‌های تعاملی کارآمد در پس‌آزمون بیشتر شده است. جدول ۲ میانگین و انحراف معیار نمرات والدین در خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه سبک‌های تربیتی و تعاملی والدین را نشان می‌دهد.

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار نمرات سبک‌های تعاملی والدین در پیش‌آزمون و پس‌آزمون

پس‌آزمون		پیش‌آزمون		
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۵/۵۵	۴۸/۳۷	۵/۶۵	۳۷/۳۶	حل مسئله
۵/۰۹	۲۶/۰۰	۴/۲۳	۳۲/۷۰	توضیح و بیان احساس
۵/۸۸	۴۱/۴۰	۶/۱۳	۴۵/۰۸	توصیه بدون توضیح
۶/۲۰	۲۴/۵۷	۶/۴۴	۳۳/۰۵	دستور، تنبیه و توبیخ

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود پس از پایان کارگاه نمرات خرده‌مقیاس حل مسئله، بر اساس آزمون t وابسته، به طور معناداری افزایش و نمرات سایر خرده‌مقیاس‌ها کاهش یافته‌اند ($P < 0/01$).

جدول ۳: نتایج آزمون t وابسته برای مقایسه میانگین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون در پرسش‌نامه سبک‌های تربیتی والدین به تفکیک خرده‌مقیاس‌ها

P	d.f	t	SEM	SD	تفاوت میانگین‌ها	
۰/۰۰۱	۲۱۲	-۲۲/۶	۰/۴۸	۷/۰۹	-۱۱/۰۰	حل مسئله
۰/۰۰۱	۲۱۲	۱۷/۵۵	۰/۳۸	۵/۵۶	۶/۶۹	توضیح و بیان احساس
۰/۰۰۱	۲۱۲	۷/۶۴	۰/۴۸	۷/۰۰	۳/۶۷	توصیه بدون توضیح
۰/۰۰۱	۲۱۲	۱۶/۷۵	۰/۵۰	۷/۳۸	۸/۴۸	دستور، تنبیه و توبیخ

مقایسه نمره پرسش‌نامه مشکلات رفتاری کودکان در پس‌آزمون و پیش‌آزمون نیز بیانگر وجود تفاوت معنادار است ($P < 0/01$)، به این معنا که شرکت والدین در کارگاه آموزش روش حل مسئله، بر کاهش رفتارهای مشکل‌ساز فرزندان آنان نیز تأثیر مثبت داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

آموزش والدین یک راهکار مؤثر در ترویج روش‌های صحیح فرزندپروری و افزایش مهارت‌های اجتماعی کودکان مانند مهارت‌های خود نظم‌دهی هیجانی^۱ و توانایی حل مسئله است (بائر و وبستر- استراتون^۲، ۲۰۰۶). وجود تاریخچه‌ای از تعامل پرخاشگرانه و طردکننده والد-کودک، پیش‌بینی‌کننده رفتارهای نامناسب نوجوانان است. به عکس، تعامل مثبت والد-کودک موجب سطوح بالای حمایت خانوادگی، ارتباطات بهتر کودک با همسالان و موفقیت بیشتر در مواجهه با مشکلات زندگی روزمره در خانواده و مدرسه می‌شود (ونس، بوئن، فرناندز و تامپسون^۳، ۲۰۰۲). هشیاری والدین، تمایل آن‌ها به کسب تجارب جدید، میزان تحصیلات، برخورد متفکرانه و اجتناب از برخوردهای تکانشی، ایجاد اعتماد به نفس و احساس کفایت در کودک از متغیرهای مؤثر در تعامل والد-کودک محسوب می‌شوند که در امر آموزش از اهمیت زیادی برخوردارند (نیتزل و استرایت^۴، ۲۰۰۴). والدین آموزش‌دیده می‌توانند تعامل‌های مؤثرتری با کودکان خود برقرار کنند و در این تعامل‌ها کودکانی مستقل و متفکر پرورش دهند. آگاهی والدین از روش‌های صحیح برخورد با کودکان موجب کاهش برخوردهای نامناسب بین آن‌ها شده، اعتماد کودکان به والدین را افزایش می‌دهد و باعث می‌شود والدین و کودکان هر دو در خواسته‌های خود از یکدیگر منطقی‌تر رفتار کنند. والدین آموزش‌دیده، در مواجهه با مسائل و مشکلات نقش فعال‌تری به کودک می‌دهند؛ این والدین از پیش‌داوری و امر و نهی به کودکان پرهیز می‌کنند و موجب انتقال این خصوصیات به کودکان نیز می‌شوند. کودکان این‌گونه والدین از دل‌بستگی ایمن برخوردارند (نیتزل و استرایت، ۲۰۰۴).

1- emotional self regulatory skills

2- Bauer, Webster-Stratton

3- Vance, Bowen, Fernandez, Thompson

4- Neitzel, Stright

مطالعات متعددی در راستای نشان دادن اثربخشی آموزش صورت گرفته است. در مطالعه ای که توانایی حل مسئله نوجوانان با والدین آنها مقایسه شد، پژوهشگران گزارش کردند که توانایی حل مسئله نوجوانان به طور معناداری از والدین آنها کمتر بوده و با توانایی حل مسئله مادران (و نه پدران) همبستگی مثبت و معنادار داشته است؛ در نتیجه پژوهشگران معتقدند که اگر مادران در زمینه حل مسئله آموزش ببینند، مهارت حل مسئله در کودکان آنها نیز بهبود می‌یابد (جافی و دزوربلا، ۲۰۰۳). در مطالعه دیگری که توسط همفیل و لیتفیلد^۲ (۲۰۰۶) انجام شد، پژوهشگران به بررسی تأثیر کوتاه‌مدت آموزش‌های شناختی- رفتاری مانند کنترل خشم، حل مسئله و مهارت‌های اجتماعی به کودکان و آموزش مهارت‌های فرزندپروری و ارتباطات صحیح والد- فرزند به والدین، در بهبود رفتارهای برون‌ریز و درون‌ریز کودکان در خانه پرداختند. نتایج نشان داد که اولین پیش‌بینی‌کننده بهبود رفتار اولیه کودکان، و دومین عامل مؤثر، ارتباطات مثبت والد- کودک است که باعث بهبود رفتار کودکان می‌شود.

این یافته، با یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر مبنی بر تأثیر آموزش والدین بر رفتارهای کودکان همسو است. یافته‌های پژوهش حاضر نیز نشان‌دهنده این است که آموزش والدین بر تعامل مؤثر و کارآمد آنان با کودکان تأثیر داشته و زمینه را برای بهبود رفتارهای مشکل‌ساز کودکان فراهم می‌آورد. مولر^۳ (۲۰۰۴) در ارزیابی کارگاه آموزش والدین که با هدف بهبود رابطه والدین با فرزندان و مسئولان مدرسه اجرا شده بود، دریافت که اجرای این کارگاه‌ها نظارت و توجه والدین به امور فرزندان را افزایش می‌دهد و موجب می‌شود که آنان با سبک‌های تربیتی مختلف و نقاط قوت و ضعف آن آشنا شوند. بسیاری از والدینی که در کارگاه یادشده شرکت کرده بودند، اظهار داشتند که آرامش خاطر پیدا کرده و بسیاری از نگرانی‌های آنان درباره فرزندانشان کاهش یافته است، زیرا با مسائل و مشکلات فرزندان خود بیش از پیش آشنا شده و روش‌های ارتباطی جدیدی را برای برقراری ارتباط با فرزندان و مسئولان مدرسه آموخته‌اند.

1- Jaffee, D`Zurilla

2- Hemphill & Littlefield

3- Moler

شکوهی‌یکتا و پرند (۱۳۸۶) در مطالعه‌ای مشابه به بررسی اثربخشی کارگاه تربیت کودک اندیشمند پرداختند. یافته‌های آنان بیانگر تأثیر کارگاه‌های آموزش والدین در ارتقای سبک فرزندپروری والدین و کاهش مشکلات رفتاری کودکان است. این یافته‌ها با یافته‌های پژوهش حاضر در مورد بهبود تعاملات والد-کودک همسو است. احتمالاً می‌توان پیش‌بینی کرد که آموزش روش‌های حل مسئله به والدین، در عین حال که موجب بهبود سبک‌های فرزندپروری والدین است، به طور موازی تعاملات والد-کودک را نیز مؤثرتر می‌سازد.

در مطالعه حاضر مقایسه پیش‌آزمون - پس‌آزمون نشان‌دهنده بهبود مهارت‌های حل مسئله در تربیت فرزندان است. علاوه بر این، والدین از روش‌های تنبیه و توبیخ و دست‌ور دادن و توصیه بدون توضیح به طور معناداری کمتر استفاده کردند. هم‌چنین کارگاه مزبور از طریق والدین روش‌های حل مسئله و مواجه شدن با مسائل مختلف را به کودکان آموزش می‌دهد. در این کارگاه سعی می‌شود کودکان با روش‌های تعاملی صحیح با دیگران آشنا شوند و در هر برخوردی که با دیگران دارند به احساس فرد مقابل و رفتاری که داشته‌اند، فکر کنند. هم‌چنین در راستای حل مسئله، کودک آموزش می‌بیند که به راه‌حل‌های جایگزین بیندیشد و بیاموزد که هر مشکلی راه‌حل‌های مختلفی دارد. نتایج نشان داده که این کارگاه موجب بهبود تعامل والد-کودک شده است.

پژوهش حاضر محدودیت‌هایی نیز دارد که از جمله می‌توان به اجرای کارگاه برای نمونه‌های در دسترس اشاره کرد که روایی بیرونی آن را تهدید می‌کند. در ضمن پیشنهاد می‌شود برای تحقیقات آینده، روایی پرسش‌نامه‌های به کار گرفته‌شده در این پژوهش بررسی گردد.

منابع

الف) فارسی:

شکوهی یکتا، محسن و پرند، اکرم. (۱۳۸۶). آموزش روش حل مسئله به والدین و تأثیر آن بر رفتار کودکان. *مجله علوم روان شناختی*. دوره ششم، شماره ۲۲، ص ۱۳۴ - ۱۵۰.

ب) لاتین:

- Bauer, N. S. & Webster- Stratton, C. (2006). **Prevention of behavior disorder in primary care**. *Curr Opin Prdiatrics*. 18(6): 654-660.
- Beelmann, A. (2004). **Promoting social competence in preschool children: Evaluation of a social problem solving training program as a universal measure for preventing antisocial behavior**. *Kindheit und Entwicklung*. 13(2): 113-121.
- Colman, R. A. (2002). **Attachment security and the problem solving behaviors of mothers and children**. *Merrill-Palmer Quarterly*. 48(4): 337-359.
- Cunningham, C. E., Davis, J. R., Bremner, R., Dunn, K. W. & Rzasa, T. (1993). **Coping modeling problem solving versus mastery modeling: effects on adherence, in-session process, and skill acquisition in a residential parent-training program**. *Journal of Consult Clin Psychol*. 61(5): 871- 878.
- Greene, R. W., Ablon, J. S., Gorong, J. C., Raezer-Blakely, L., Markey, J., Monuteaux, M. C., Henin, A, Edwards, G. & Rabbitt, S. (2004). **Effectiveness of collaborative problem solving in affectively dysregulated children with oppositional-defiant disorder: initial findings**. *Journal of Consult Cli Psychol*. 72(6): 1157-1164.
- Hemphill, S. A. & Littlefield, L. (2006). **Child and family predictors of therapy outcome for children with behavioral and emotional problems**. *Child Psychiatry and Human Development*. 36(3): 329- 349.
- Hodges, S., Hernandez, M. & Nesman, T. (2003). **A developmental framework for collaboration in child-serving agencies**. *Journal of Child and Family Studies*, 12(3), 291-305.

- Jaffee, W. B. & D`Zurilla, T. J. (2003). **Adolescent problem solving, parent problem solving and externalizing behavior in adolescents.** Behavior Therapy. 34(3): 295-311.
- Johnson, J., L. (2001). **Preventing conduct problems and increasing social competence in high-risk preschoolers.** Dissertation Abstracts International: Section B: The Science and Engineering. 62(2-B): pp.1085.
- Kazdin, A. E., Siegel, T. C. & Bass, D. (1992). **Cognitive problem solving skills training and parent management training in the treatment of antisocial behavior in children.** Journal of Consulting and Clinical Child Psychology. 60(5): 733-747.
- Kirkley, J. (2003). **Principles for teaching problem solving.** Plato learning, Inc.
- Leseman, P. M. & Sijtsling, F. F. (1996). **Cooperation and instruction in practical problem solving.** Differences in interaction styles of mother- child dyads as related to socioeconomic background and cognitive development. Learning and Instruction. 6(4): 307-323.
- Logsdon, C., D. (2004). **Early intervention with aggressive boys: A cognitive-behavioral group intervention in a school setting.** Dissertation Abstracts International Section A: Humanities and Social Sciences. 64(9-A): pp.3882.
- Mahoney, G., Boyce, G., Spiker, D. & Wheeden, C. A. (1998). **The relationship of parent-child interaction to the effectiveness of early intervention services for at-risk children and children with disabilities.** TECSE. 18(1): 5-7.
- Mccarrick-Dix, P., M. (2000). **Violence in the schools.** Dissertation Abstracts International Section A: Humanities and Social Sciences. 61(1-A): pp. 84.
- McDowell, D. J. (2003). **Differences between mother's and father's advice-giving styles content: relations with social competence and psychological behavior in middle childhood.** Merrill- Palmer Quarterly. 49(1): 55-76.
- McMurrin, M. & McGuire, J. (2005). **Social problem solving and offending: Evidence, evaluation and evolution.** xviii, New York, NY, US: John Wiley & Sons Ltd.
- Moler, M. (2004). **Parent workshop evaluation.** Lewis center for Education Research.
- Neitzel, C. & Stright, D., A. (2004). **Parenting behaviours during child problem solving: The roles of child temperament, mother education and personality,**

- and the problem-solving context. International Journal of Behavioral Development. 28(2): 166-179.**
- Oh, K., Min, S., Park, J. & Ko, R. (1998). **Development of cognitive-behavioral treatment for noncompliant and aggressive behavior in children.** Korean Journal of Clinical Psychology 17(2): 1-15.
- Reid, M. J. & Webster-Stratton, C. (2001). **The incredible years parent, teacher, and child intervention: Targeting multiple areas of risk for a young child with pervasive conduct problem using a flexible, manualized treatment program.** Cognitive and Behavioral Practice. 8(4): 377-386.
- Riesch, S. K., Jackson, N. M. & Chanchong, W. (2003). **Communication approaches to parent- child conflict: young adolescence to young adult.** Journal of Pediatric Nursing. 18(4): 224-256.
- Robinson, T., R. (1999). **Effect of teaching adolescent students a cognitive behavioral intervention and of treatment intensity on behavioral responses to anger.** Dissertation Abstracts International: Section B: The Science and Engineering. 60 (6-B): pp. 2975.
- Ruffolo, M. C., Kuhn, M. T. & Evans, M. E. (2005). **Support, empowerment, and education: a study of multiple family group psychoeducation.** Journal of Emotional and Behavioral Disorders, 13(4), 200-212.
- Scott, S. (2005). **Parent training. Psychiatry.** 4(9): 126-128.
- Shure, M. B. & Digeronimo, T. F. (2001). **Raising a thinking child workbook: Teaching young children how to resolve everyday conflicts and get along with each others: Book review.** Social Work With Groups. 24(3-4): 197-201.
- Tasic, D., Budjanovac, A. & Mejevsek, M. (1997). **Parent- child communication in behaviorally disordered and "normal" adolescents.** Psicothema. 9(3): 547-554.
- Vance, J. E., Bowen, N. K., Fernandez, G. & Thompson, S. (2002). **Risk and protective factors as predictors of outcome in adolescents with psychiatric disorder and aggression.** Journal of American Academy of Child Psychiatry. 41(1): 36-43.
- Winsler, A., Madigan, A. L. & Aquilino, S. A. (2005). **Correspondence between maternal and paternal parenting styles in early childhood.** Early Childhood Research Quarterly. 20: 1-12.